

## اسیدپاشی و احکام جزایی آن

محمد صرفی\*، سیدحسین عابدیان کلخوران\*\*

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۱۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۲/۲۱)

### چکیده

«اسید پاشی» جرمی است که ممکن است با انگیزه‌ها و علل متفاوت انجام شود؛ معمولاً شخص «اسید پاش» با قصد و آگاهی از عواقب عمل خویش و با انگیزه انتقام جویی، ناموسی، عشقی، اخاذی، اختلافات شخصی، امنیتی و... دست به چنین عملی می‌زند و فرد یا افراد «مجنی علیه» را از نعمت زیبایی، بینایی و... محروم می‌سازد. اگر شخصی عمداً و با اختیار به دیگری «اسید» بپاشد؛ در صورتی که امکان «قصاص» از جهت کمیت و کیفیت ممکن باشد؛ باید «قصاص» او به همان نحوه جرم انجام شود و اگر «اسید پاش» به قصد ترساندن جامعه یا بخشی از جامعه اقدام به این عمل مجرمانه نماید؛ حکم به «محارب» بودن او می‌شود؛ همچنین اگر شخص «اسید پاش» آگاهانه و با انگیزه ایجاد «فساد در جامعه» و برهم زدن نظم عمومی یا نا امن جلوه دادن مملکت اسلامی اقدام به این عمل نماید؛ «مفسد» شناخته می‌شود.

### کلیدواژگان

اسید، اسید پاشی، قصاص، محارب، مفسد، افساد.

\* نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق و اندیشه امام خمینی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

رایانامه: sarfiamir@yahoo.com

\*\* استادیار گروه فقه و حقوق، واحد قم دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

## مقدمه

یکی از جرائمی که اکنون در جامعه بسیار نمود پیدا کرده و نسبت به گذشته رو به افزایش نهاده است، جرم «اسید پاشی» می‌باشد. متعاقب شیوع این جرم؛ هر انسان نوع دوستی که می‌داند به فراخور سهم خود می‌تواند به نوعی وظیفه انسانی و شرافتمندانه خود را به عنوان نوعی واکنش انسانی بروز دهد، دست به قلم می‌شود تا شاید کمی از سنگینی کوه غمی که متعاقب بروز مکرر این عمل خبیثانه، بر قلبهای بیدار جامعه احساس می‌شود بکاهد.

در این جرم، «اسیدپاش»؛ با قصد و آگاهی از عواقب عمل خویش و با انگیزه‌های انتقام جویی، ناموسی، عشقی، اخاذی، اختلافات شخصی یا امنیتی دست به چنین عملی می‌زند و فرد مجنی علیه را برای تمام عمر از نعمت بینایی؛ زیبایی چهره، ازدواج و حتی شغل محروم می‌کند. با وجود روند رو به رشد «اسید پاشی» در کشور ما لازم است ابعاد این جرم از نظر فقهی و جزایی مورد بررسی قرار گیرد. به همین منظور در این نوشتار سعی شده است تا ابعاد این جرم از جهات قصاص، محاربه و افساد، مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

## مفهوم شناسی

پیش از این که به بررسی موضوع در ابعاد مختلف آن بپردازیم؛ لازم است مفاهیم کلیدی این تحقیق، به درستی تبیین شود.

### اسید

«اسید» کلمه‌ای است فرانسوی که در اصل به معنای ترشی است و بر هر جسم مرکبی که ... با بازاها ترکیب شود اطلاق می‌شود؛ ... {برخی از انواع آن} تندبو و استنشاق آن خطرناک است و اگر یک قطره از آن بر پارچه یا چوب بریزد، می‌سوزاند (عمید؛ فرهنگ فارسی عمید؛ ۱۳۸۶: ۱۶۵/۲).

### اسید پاشی

پاشیدن عمدی اسید یا هر نوع ترکیبات شیمیایی دیگر بر روی بدن اشخاص را «اسیدپاشی» گویند. (ایمانی؛ فرهنگ اصطلاحات حقوق کیفری، تهران: ۵۱/۱۳۸۲)

### انگیزه‌های متفاوت در «اسید پاشی»

جهت بررسی دقیق جرم «اسید پاشی»؛ ضرورتاً باید انگیزه شخص از این عمل؛ مشخص گردد؛ چرا که قصد شخص در تعیین و نوع مجازات موثر است. در یک تقسیم بندی کلی می‌توان «اسید پاشی» را به دو نوع عمدی و سهوی تقسیم نمود:

#### ۱. جرم عمدی

جنایت عمدی گاهی با مباشرت است؛ مانند خفه کردن و ذبح کردن و بعضی اوقات به تسبیب است مثلاً زدن با شمشیر، کارد، سنگ تیز و ... (خمینی [امام]؛ تحریرالوسیله، ۱۴۰۹ ه. ق: ۵۱۹/۲) در «اسید پاشی» نیز اگر شخص با قصد و توجه نسبت به پاشیدن اسید اقدام نماید، این عمل جرم عمدی محسوب می‌گردد.

#### ۲. جرم سهوی

سهو به دو قسم شبه عمد و خطای محض تقسیم می‌شود.

شبه عمد مانند این که راننده به جهت خواب‌آلودگی، سرعت زیاد، رعایت نکردن قوانین رانندگی و مانند آن مقصّر شناخته شود، اما در خطای محض مانند آن که راننده همه جوانب را رعایت کرده ولی به دلیل بریدن ترمز و مانند آن تصادف رخ داده است. (جمعی از پژوهشگران زیر نظر هاشمی شاهرودی؛ فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت؛ ۱۴۲۶ ه. ق: ۴۹۸/۲)

در «اسید پاشی» نیز فرضاً اگر شخصی در یک کارگاه مسئول کنترل مواد اسیدی است؛ لکن این کارگر در حین انجام کار دقت کافی را ننماید و باعث ریخته شدن اسید به صورت و بدن یکی از همکارانش شود؛ جرم او شبه عمد است.

اما اگر همین شخص تمامی مقررات ایمنی را رعایت نماید؛ تا اسید به همکاران او آسیب نرساند؛ ولی ناگهان دستگاهی؛ خراب و باعث پاشیدن اسید بر بدن دیگری شود؛ جرم او خطای محض است.

بدیهی است آن چه که در این تحقیق از آن بحث می‌شود اسید پاشی عمدی است و اسید پاشی سهوی از موضوع بحث خارج است.

## «اسید پاشی» و انجام «قصاص»

جهت بررسی جرم «اسید پاشی» و بیان «قصاص» در آن ابتدا به بررسی مفاهیم آن می‌پردازیم:

### «قصاص» در لغت

«قصاص» مقابله به مثل در جنایت عمدی است. (قرشی؛ قاموس قرآن: ۱۲/۶: ۱۲۶) یا «قصاص» انجام دادن به مثل آن چه که انجام شده است؛ در قتل، قطع، ضرب و مجروح ساختن می‌باشد. (ابن منظور؛ لسان العرب؛ ۱۴/۱: ۷۶/۷) و «قصاص» را از آن جهت «قصاص» گویند که در تعقیب جنایت و در پی آن است. (فراهیدی؛ کتاب العین؛ ۱۰/۵: ۱۰/۵)

### «قصاص» در اصطلاح

«قصاص» در اصطلاح معاقبت جانی به مثل جنایت می‌باشد. (محمود عبدالرحمان، معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهیه: بی تا: ۹۵/۳)

### قصاص در اسلام

عده‌ای از قانون‌گذاران و نویسندگان قصاص را مخالف مصلحت و عاطفه دانسته و آنرا حکمی ناروا قلمداد کرده‌اند و به جای آن زندان گذاشته‌اند؛ ولی گویند از روزیکه زندان جای قصاص را گرفته شماره قتل در عالم رو به کثرت نهاده است. (قرشی؛ قاموس قرآن؛ ۱۴/۱: ۱۴/۶)

در بحث زندان و مضرّات آن نیز قابل ملاحظه است که نیروی کارآمد به جهت تأمین زندانیان و دستگاه قضائی و اجرائی معطل می‌ماند و دیگر این که زندان دردی را دوا نکرده و بلکه بر آن می‌افزاید. همچنین ملت چه تقصیری دارد که تأمین این همه قاتلان و محافظین آنها را به عهده بگیرد، کوتاه سخن آن که قرآن در یک کلمه مطلب را تمام کرده و فرموده است: «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ» (بقره/۲: ۱۷۹) و تصدیق آنرا به صاحبان عقل واگذاشته است.

### شرایط قصاص

فقیهان از مجموع آیات و روایات شرایط مشترک تساوی در حرّیت و رقیّت، تساوی در دین،

منتفی بودن پدر بودن، عقل، بلوغ و محقوق الدم بودن (خمینی[امام]؛ تحریر الوسيله؛ ۱۴۰۹ه.ق: ۵۱۹/۲) را جهت قصاصِ نفس و عضو بیان نموده اند که برای بیان احکام فقهی و جزایی «اسید پاشی» باید به این شرایط توجه داشت.

### شرایط اجرای «قصاص» در اعضا و جراحات

شرایط قصاص در اعضا و جراحات به شرح زیر است:

#### الف) عمدی بودن

جهت اجرای قصاص در عضو شرط است که عمداً بر آن جنایت وارد شده باشد به نحوی که غالباً باعث تلف می شود، یا آن که جانی قصد تلف عضو را داشته باشد هر چند آن فعل غالباً سبب تلف نباشد (مجلسی؛ حدود و قصاص و دیات؛ بی تا: ۱۰۳)

#### ب) تساوی در سلامتی عضو

بایستی عضوی که قصاص می شود با عضوی که جنایت بر آن انجام شده است در سلامت بودن یکسان باشند؛ یا عضو مقطوع بهتر باشد. (همان: ۱۰۴) پس دست سالم مثلاً به جای دست فلج قطع نمی شود و لو اینکه جانی آن را بذل نماید. ولی دست فلج به جای سالم قطع می شود. (خمینی[امام]؛ همان: ۱۰۵/۲)

#### ج) تساوی در محل

دست راست به جای راست و دست چپ به جای چپ قطع می شود. و اگر دست راست نداشته باشد، دست چپش قطع می شود و اگر جانی اصلاً دست نداشته باشد بنابر روایتی که مورد عمل است و اشکالی در آن نیست پایش قطع می شود. (همان: ۱۰۶/۲)

#### د) مساوی بودن از جهت طول و عرض در جراحات

قصاص در جراحات، مساوی بودن در طول، عرض و عمق شرط می باشد. همچنین لاغر از چاق قصاص می گیرد و عمق در این مورد مطرح نمی باشد. (خمینی[امام]؛ همان)

### ه) عدم بیم هلاک یا سرایت

«قصاص» در جایی رواست که بیم هلاک یا سرایت نباشد، اگر در «قصاص» احتمال افزایش جراحت اصلی باشد یا این که بیم خطر باشد، قصاص روا نیست. مانند آن که: جراحت به پوست مغز سر یا درون شکم و سینه یا جای دیگر که خطرناک باشد سرایت نماید. هم چنین «قصاص» در شکستن استخوان روا نیست، زیرا که نمی‌توان چنان شکست که به اندازه جنایت اول باشد. (شعرانی؛ تبصره المتعلمین فی أحكام الدین ۱۴۱۹ق: ۷۷۷/۲)

### انجام «قصاص» در «اسید پاشی»

اگر شخصی عمداً بر روی دیگری «اسید» بپاشد؛ با امعان نظر نسبت به نکات ذیل «قصاص» انجام می‌شود:

۱. اگر پاشیدن «اسید» باعث مرگ دیگری شود؛ بر اساس موازین «قصاص» ثابت می‌شود؛
۲. اگر با پاشیدن «اسید»، بینایی یا شنوایی فرد از بین رود، در مرحله اول «قصاص» ثابت است؛ امام در تحریر الوسیله می‌نویسد: «قصاص در چشم ثابت است و با مساوی بودن محل، قصاص انجام می‌گیرد؛ . . . و اگر یک چشمی، چشم سالم اعور را در بیاورد از او قصاص گرفته می‌شود.» (خمینی [امام]؛ همان: ۱۱۸/۲)
۳. اگر پاشیدن «اسید» باعث از بین رفتن نور چشم شده باشد؛ نه حدقه؛ باید به پزشکان حاذق مراجعه نمود تا نسبت به نحوه «قصاص» راهنمایی نمایند. تحریر الوسیله می‌نویسد: «پنبه مرطوبی روی پلک‌های او انداخته می‌شود، سپس آئینه گرم می‌شود و مقابل خورشید قرار داده می‌شود آن‌گاه چشم او باز می‌شود و مجبور می‌شود تا به آئینه نگاه کند تا دیدش از بین برود و حدقه‌اش باقی بماند.» (خمینی [امام]؛ همان)
۴. اگر جنایت «اسید پاشی» بر روی صورت یا سایر اعضای بدن باشد و باعث از بین رفتن زیبایی باشد؛ در صورتی که «قصاص» از جهت کمیّت و کیفیت ممکن باشد «قصاص» انجام می‌شود. (منتظری نجف‌آبادی؛ رساله استفتاءات؛ بی تا: ۲۶۴/۱) و اگر «قصاص» از جهت کمیّت و کیفیت ممکن نباشد؛ در صورتی که به مقدار کمتر از جنایت ممکن است؛

مجنیّ علیه می تواند به قصاص جراحات کمتر از مورد جنایت رضایت دهد و نسبت به باقی مانده دیه دریافت کند. (جمعی از پژوهشگران زیر نظر هاشمی؛ همان: ۶۶/۳)  
 ۵. در صورتی که قصد انجام «قصاص» باشد؛ اما بیم سرایت و یا تلف فرد جانی پیش بیاید؛ نمی توان جانی را «قصاص» نمود و باید از او دیه گرفت.

### «اسید پاشی» و «محاربه»

یکی از مواردی که در جرم «اسید پاشی» می توان نسبت به آن بحث و بررسی نمود، محارب بودن فرد اسید پاش می باشد.

#### «محارب» در لغت

کلمه «محاربه» از ماده «حرب» گرفته شده و نقیض کلمه «سَلْم» (صلح) است. (فراهیدی؛ کتاب العین؛ ۱۰هـ. ق: ج ۲۱۳/۳) «محاربه» در اصل به معنای «سلب» و گرفتن است و «حَرْبُ الرَّجُلِ مَالَهُ» به معنای «سَلْبُ الرَّجُلِ مَالَهُ» است، یعنی «مال آن مرد را از او گرفتند». چنین کسی را «محروب» و «حریب» می گویند. اطلاق واژه «حرب» بر کسی که برای جنگیدن یا ترسانیدن دیگران سلاح کشیده باشد، به این اعتبار است که او می خواهد جان یا مال یا قدرت یا ملک دیگری را از او بگیرد.

#### «محارب» در اصطلاح

«محارب» در اصطلاح به کسی خطاب می شود که شمشیرش را برهنه می کند یا آن را تجهیز می نماید تا مردم را بترساند؛ و می خواهد در زمین افساد نماید، در خشکی باشد یا در دریا، در شهر باشد یا در غیر آن، شب باشد یا روز. (خمینی [امام]؛ همان: ۳۱۴/۲)

قدر متیقن که مورد توافق و فتوای فقها نیز می باشد این است که ملاک محارب، تشهیر «سلاح» به قصد اخافه است و صدق و تحقق آن، به صرف اخافه، بدون اسلحه کشیدن، یا اسلحه کشیدن، بدون قصد اخافه، مشکل است. بلی اسلحه ای که در ملاک محارب بودن، موضوعیت دارد

اختصاص به اسلحه گرم ندارد و شامل هر سلاحی که ترساندن و کشتن مردم با آن ممکن و متعارف باشد، می‌شود- از قبیل کارد، چاقو، چوب، سنگ، بنزین برای به آتش کشیدن و مواد منفجره و امثال اینها. (فاضل لنکرانی؛ جامع المسائل؛ بی تا: ۴۴۳/۲)

### «محاربه» در اسیدپاشی

«سلاح» اسم جامعی است برای هر آلتی که در جنگ و قتال استعمال؛ و عرفاً و غالباً به کار بردن آن موجب ترس و وحشت مردم می‌شود. بنابراین اگر وسیله‌ای که شخص با آن مردم را ترسانده باشد، چیزی است که غالباً موجب ترس و هراس نگردد؛ محاربه بر این عمل صدق نمی‌کند.

در عرف امروز «سلاح» به سه دسته «سرد»، «گرم» و «شیمیایی» تقسیم می‌شود. (گلدوست جویباری؛ جرائم علیه امنیت کشور؛ ۱۳۸۷: ۳۰) اسید نیز چون می‌تواند جهت ترساندن مردم به کار گرفته شود اسلحه نوع سوم است.

جهت تشخیص صدق «محاربه» بر عمل «اسید پاشی» باید به قصد فرد از انجام این عمل نگاه

بیاندازیم:

### عمل سهوی

اگر «اسید پاش» قصد پاشیدن «اسید» بر روی زمین؛ یا جای دیگر را دارد اما بدون قصد؛ بر روی انسانی ریخته می‌شود؛ در این صورت قطعاً محارب نیست؛

### عمدی و شخصی

اگر «اسید پاش» با قصد قبلی و به جهت آسیب رساندن به یک انسان «اسید» را تهیه کند؛ ولی قصد او کاملاً شخصی باشد؛ مثلاً به دلیل این که دختری به درخواست ازدواج او جواب رد داده است؛ به صورت دختر «اسید» بپاشد؛ یا به دلیل خصومت شخصی «اسید» را بر روی دیگری بریزد که در این صورت نیز چون قصد «اخافه عموم» را ندارد؛ این عمل «محاربه» نیست.

### عمدی و با «قصد اخافه»

«اسید پاش» اگر به قصد ترساندن جامعه یا گروهی از آنان «اسید» را تهیه و بر روی افرادی بپاشد؛



«محارب» است؛ مثلاً اگر قصد او از این عمل ترساندن مردم یک محل یا دختران یک شهر باشد؛ به او «محارب» گفته می شود.

### «اسید پاشی» و «افساد فی الارض»

قبل از بیان و بررسی صدق «مفسد» بر «اسید پاش»؛ به تعریف و بیان «مفسد» می پردازیم:

#### «فساد» در لغت

«فساد» نقیض صلاح می باشد. (فراهیدی؛ العین؛ ۱۰هـ. ق: ۲۳۱/۷) و «فساد» خروج شی از اعتدال می باشد و فرقی نمی کند که این خروج از اعتدال کم باشد یا زیاد و فساد ضد صلاح است. « (اصفهانى؛ مفردات الفاظ قرآن؛ ۱۲هـ. ق: ۶۳۶)

#### شرایط صدق «افساد» در زمین

صدق «افساد» در زمین متوقف بر موارد ذیل است:

##### الف) اخلال در امنیت

اینکه جرم انجام شده، اخلال در صفت به خصوصی باشد که زمین دارد و آن عبارت است از «محل سکونت و استقرار و آسایش انسان بودن»، نه اخلال در صفتی از صفات مربوط به انسان یا جامعه. مثلاً ترویج عقاید باطل یا مجبور کردن مردم به پذیرفتن این عقاید، به خودی خود، مصداق «افساد» در زمین نیست. اگر چه مصداق فساد انسان و جوامع انسانی باشد.

##### ب) از روی تجاوز و ظلم

اینکه اخلال در خصوصیت یاد شده ناشی از ظلم و تجاوز به دیگران باشد، نه اینکه انسان‌ها به اختیار و میل خود کارهایی انجام دهند که موجب اخلال در زندگی و استقرارشان در زمین شود. مثلاً اگر مرتکب کارهایی شوند که به تدریج موجب ضعف و نابودیشان گردد، این گونه کارها، مصداق افساد در زمین نیست، هر چند نتیجه آن‌ها با افساد یکی است. بر این اساس، در مفهوم «فساد»، وجود ظلم و تجاوز اخذ شده است (شاهرودی؛ همان: ۲۴۰).

### ج) عمومی بودن جرم

اختصاص داشتن معنای «فساد» به مواردی که تجاوز و قتل و غارت، آشکار و مشهور و گسترده و شایع میان مردم باشد، نادرست است، بلکه تجاوز به حقوق یک نفر نیز اگر به گونه‌ای باشد که موجب اخلال در امنیت محل شود، مصداق «فساد در زمین» خواهد بود. آری در صدق عنوان «فساد در زمین» شرط است که تجاوز جنبه شخصی نداشته باشد و متوجه شخصی معین و از روی دشمنی شخصی با او نباشد، بلکه تجاوز باید متوجه همه ساکنان یک محل بوده اگر چه فقط در مورد یک نفر عملی شده باشد (شاهرودی؛ همان: ۲۴۰).

### د) وجود قصد «افساد»

یکی دیگر از شرایط احراز «افساد»، این است که شخص قصد این عمل را داشته باشد؛ در مواردی که بدانیم یا احتمال دهیم که عمل شخص ناشی از انگیزه‌های اقتصادی و یا فقر فرهنگی بوده و تصمیم او بر افساد جامعه و ضربه زدن بر حیثیت عمومی و کیان اسلام و مسلمین محرز نباشد صدق عنوان «مفسد» معلوم نیست. (منتظری نجف آبادی؛ رساله استفتائات؛ بی تا: ۱۵۶/۱)

### تفاوت «مفسد» و «محارب»

بعضی «مفسد» و «محارب» را یکی می‌دانند اما واضح است که «مفسد» و «محارب» دو موضوع است. (خمینی[امام]؛ استفتائات؛ ۱۴۲۲ه. ق: ۶۵/۳) و نسبت منطقی بین «محارب» و «مفسد» عموم و خصوص است؛ به این معنی که «محارب» قطعاً «مفسد فی الارض» هست و «محارب» مصداق بارز «مفسد» است؛ اما همه «مفسدین فی الارض» «محارب» نیستند. (گلپایگانی؛ الدر المنضود فی أحكام الحدود؛ ۱۴۱۲ه. ق: ۳۱۶/۳)

### تطابق «اسید پاشی» بر «افساد»

پس از ذکر شرایط صدق «افساد»، اکنون به بررسی جرم «اسید پاشی» و تطابق آن با جرم «افساد» می‌پردازیم:

الف) اگر «اسید پاش» به صورت غیر عمد این عمل را انجام داد؛ یقیناً «مفسد» نمی‌باشد؛

ب) «اسید پاش»؛ در صورتی که به قصد خصومت شخصی مرتکب این جرم گردد، «مفسد» نمی‌باشد؛

ج. اگر شخصی با «اسید پاشی»؛ قصد شوخی و نظیر آن را داشته باشد و هدف او «افساد در زمین» نباشد؛ «مفسد» نمی‌باشد؛

د. در صورتی که شخص با انجام این عمل؛ قصد شخصی نداشته باشد؛ (مجنی علیه را شناسد یا اگر او را می‌شناسد برایش با دیگری فرقی نکند)؛ و هدف او از این جرم انگیزه‌های مادی؛ شوخی و... نباشد و با هدف ایجاد «فساد» در زمین مرتکب جرم شود؛ و نهایتاً با این جرم در نظم و امنیت عمومی اختلال ایجاد شود؛ شخص «اسید پاش»، «مفسد فی الارض» است.

### نتیجه

این مقاله به بررسی احکام جزایی «اسید پاشی» از سه منظر «قصاص»، «محرابه» و «افساد فی الارض» نمود؛ که ما حاصل آن به شرح ذیل می‌باشد:

- اگر شخصی عمداً و با اختیار به دیگری «اسید» بپاشد؛ حکم «قصاص» ثابت است و در صورتی که امکان «قصاص» از جهت کمیت و کیفیت ممکن نباشد؛ «قصاص» به کمتر از جنایت ثابت است و اگر «قصاص» ولو به نقصان قابل اجرا نباشد یا بیم سرایت باشد؛ «قصاص» منتفی و دیه گرفته می‌شود.
- «اسید» نوعی اسلحه می‌باشد و اگر «اسید پاش» با قصد ترساندن جامعه یا بخشی از جامعه اقدام به این عمل نماید؛ «محراب» است.
- در صورتی که «اسید پاش» با انگیزه ایجاد فساد در جامعه و برهم زدن نظم عمومی یا ناآمن جلوه دادن مملکت اسلامی اقدام به این عمل نماید؛ «مفسد فی الارض» است.

## منابع و مأخذ

قرآن کریم

۱. ابن منظور، ابوالفضل، جمال الدین، محمد بن مکرم، لسان العرب، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، بیروت؛ سوم، ۱۴۱۴ ه.ق.
۲. اصفهانی، حسین بن محمد راغب، مفردات ألفاظ القرآن، دار العلم - الدار الشامیة، لبنان - سوریه، اول، ۱۴۱۲ ه.ق.
۳. ایمانی، عباس، فرهنگ اصطلاحات حقوق کیفری؛ تهران؛ آریان؛ ۱۳۸۲.
۴. جعفری لنگرودی؛ محمد جعفر؛ ترمینولوژی حقوق؛ تهران؛ کتابخانه ابن سینا، اول؛ ۱۳۶۲.
۵. جمعی از پژوهشگران زیر نظر هاشمی شاهرودی؛ فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت؛ مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم، اول، ۱۴۲۶ ه.ق.
۶. خمینی [امام]؛ سید روح الله موسوی، تحریر الوسیله؛ مؤسسه مطبوعات دار العلم، قم، اول، ۱۴۰۹ ه.ق.
۷. شعرانی؛ ابو الحسن، تبصرة المتعلمین فی أحكام الدین؛ منشورات اسلامیة، تهران - ایران، پنجم، ۱۴۱۹ ه.ق.
۸. طباطبایی بروجری، آقا حسین - مترجمان: حسینیان قمی، مهدی - صبوری، منابع فقه شیعه، انتشارات فرهنگ سبز، تهران، اول، ۱۴۲۹ ه.ق.
۹. فاضل لنکرانی؛ محمد؛ جامع المسائل؛ امیر قلم، قم؛ اول، ۱۴۲۵ ه.ق.
۱۰. فراهیدی؛ خلیل بن احمد، کتاب العین؛ ۱۴۱۰ق؛ نشر هجرت، قم، دوم، ۱۴۱۰ ه.ق.
۱۱. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دار الکتب الإسلامیة، تهران؛ ششم، ۱۴۱۲ ه.ق.
۱۲. گلیایگانی، سید محمدرضا، الدر المنضود فی أحكام الحدود، دار القرآن الکریم، قم، اول، ۱۴۱۲ ه.ق.
۱۳. گلدوست جویباری؛ جرائم علیه امنیت کشور؛ بی جا، تهران، ۱۳۸۷.

۱۴. محمود عبد الرحمان، معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهيّة، بی نا؛ بی جا؛ بی تا.
۱۵. مجلسی؛ محمد باقر بن محمد تقی، حدود و قصاص و دیات؛ مؤسسه نشر آثار اسلامی، تهران، اول، بی تا.
۱۶. منتظری نجف آبادی؛ حسینعلی؛ رساله استفتاءات؛ بی نا؛ قم؛ بی تا.
۱۷. هاشمی شاهرودی؛ سید محمود؛ بایسته های فقه جزا؛ نشر میزان - نشر دادگستر، تهران، اول، ۱۴۱۹ ه.ق.